

دکتر رابرت ای. پترسون، کار نجات بخش مسیح، جلسه ۱۹، نتیجه گیری، نه رویداد

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد کار نجات بخش مسیح است. این جلسه ۱۹، نتیجه گیری، نه رویداد است.

وقت آن است که سخنرانی هایمان در مورد کار مسیح را به پایان برسانیم، و این کاری است که ما قصد داریم انجام دهیم.

در همان ابتدا، ما یلم سه نکته را مطرح کنیم. اول، ما باید در ذهن و قلب خود، شخصیت و کار مسیح را در نظر داشته باشیم. ما یک مسیح شناسی والا، مسیح شناسی والای انجیل یوحنا، نامه های پولس، عبرانیان و مکاشفه را در نظر گرفتیم.

در طول این ارائه در مورد کار مسیح، ما دیدگاهی ارتدکس از شخص مسیح را در نظر گرفتیم. دوم، با توجه به تمرکز ما بر وقایع نجات بخش مسیح، تأیید می کنیم که این عیسی است که از طریق این وقایع نجات می بخشد. ما شخص و کار مسیح را از هم جدا نمی کنیم.

بنابراین، اولاً، ما یک مسیح شناسی والا را فرض می کنیم. این یک دوره آموزشی در مورد شخص مسیح خواهد بود که این را اثبات می کند، اما ما یک مسیح شناسی والا را فرض می کنیم. ثانیاً، ما شخص و عمل مسیح را از هم جدا نمی کنیم.

این کار فقط به خاطر کسی که آن را انجام داده نجات می یابد. او خدا و انسان است، و این دو معیار کاملاً ضروری برای کار نجات بخش او هستند. همانطور که سخنرانی در مورد تجسم تأکید کرد، انسان شدن او به خودی خود نجات بخش نیست.

عیسی مجبور بود اعمال مختلفی را برای نجات قوم خود از گناهانشان انجام دهد. مسیح شناسی والا جدایی ناپذیری شخص و عمل مسیح. سوم، از آنجا که تفکیک کار نجات بخش مسیح به نه رویداد، تمایل به تمرکز بر کثرت آنها دارد، باید بر وحدت آنها تأکید کنیم.

یک عمل نجات بخش مسیح وجود دارد. بنابراین، هر نه رویداد را می توان به عنوان رویداد مسیح در نظر گرفت. بیایید دوباره در مورد رویدادهای نجات بخش مسیح فکر کنیم.

ما می توانیم این کار را در سه حرکت که قبلاً به آنها اشاره کردیم انجام دهیم، اما اکنون با جزئیات بیشتری مشخص خواهیم کرد. اول، حرکت از آسمان به زمین. اولین حرکت در کار مسیح، آمدن او از آسمان به زمین است.

این آمدن صرفاً ظهور موقت خدا مانند آنچه در تئوفانی ها یا کریستوفانی های عهد عتیق آمده است، نیست. نه، این بسیار فراتر از آن است. تجسم پسر خدا.

به طرز شگفت انگیزی، خدای ابدی و قادر مطلق به انسان تبدیل شد. خدای پسر، جلال آسمان و رفاقت پدر و روح القدس را ترک کرد تا آخرین آدم، انسان دوم، شود. (اول قرنیتیان ۱۵، ۴۵ و ۴۷)

خدا برای همیشه انسانیت واقعی را به خود گرفت. اگر بپرسیم چرا پسر باید این کار را انجام دهد، کتاب مقدس پاسخ آماده‌ای دارد. نقل قول: خدا پسر خود را فرستاد، که از زن زاده شد، تحت شریعت زاده شد، تا کسانی را که تحت شریعت بودند، نجات دهد، تا ما بتوانیم فرزندخواندگی را دریافت کنیم.

نقل قول پایانی، غلاطیان ۴:۴ و ۵. خدا انسان شد تا مأموریت نجاتی را انجام دهد که منجر به مرگ و رستاخیز این خدا-انسان شود. سه رویداد بین اولین آمدن آنها از آسمان به زمین و بازگشت او به آسمان، در یک خوشه قرار دارند. پس از تجسم او، این سه رویداد را داریم: زندگی بدون گناه، مصلوب شدن و رستاخیز.

مانند تجسم او، زندگی بی‌عیب و نقص مسیح پیش‌شرط اساسی مرگ و رستاخیز نجات‌بخش اوست. اگرچه مسیح، نقل قول از کتاب مقدس، از هر نظر مانند ما وسوسه شد، نقل قول نزدیک، خبر بزرگ این است که او بی‌گناه بود، عبرانیان ۴:۱۵. او، همانطور که خدا از طریق اشعیا گفت، عادل، بنده من بود، اشعیا ۵۳:۱۱.

این امر او را که هیچ گناهی نمی‌شناخت، واجد شرایط ساخت تا خود را برای دیگران فدا کند تا آنها در او پارسایی خدا شوند، دوم قرن‌تیاں ۵:۲۱. اعمال نجات‌بخش اصلی پسر خدا مرگ و رستاخیز اوست. مرگ آن انسان بی‌گناه مجسم، از همه این راه‌ها نجات می‌بخشد.

این [عمل] گناهکاران را با خدا آشتی می‌دهد، آنها را از اسارت گناه رهایی می‌بخشد، مجازات گناهانشان را می‌پردازد، بر دشمنانشان پیروز می‌شود، نافرمانی آدم اول را خنثی می‌کند و انسان‌های آلوده را تطهیر می‌کند. همه اینها به این معنی است که کار عیسی ما را از گناهانمان نجات می‌دهد. مرگ او نباید از رستاخیزش جدا باشد.

اگر بخواهم یک نکته را مطرح کنم، همین است. مرگ و رستاخیز او، روی هم رفته، جوهره، هسته و مرکز دستاورد نجات‌بخش او را تشکیل می‌دهند. اگر او نمی‌مرد، نمی‌توانست برخیزد.

و اگر او زنده نمی‌شد، مرگ او نجات نمی‌داد. نقل قول، اما شکر خدا را که به واسطه خداوند ما عیسی مسیح با زنده کردن او از مردگان در روز سوم مطابق با کتاب مقدس، به ما پیروزی می‌بخشد، اول قرن‌تیاں ۱۵:۴ و رستاخیز عیسی، آخرین رویداد در این اولین حرکت از آسمان به زمین، نشانگر پیروزی قدرتمند او بر ۵۷. شیطان، شیاطین شیطان و سایر دشمنان خداست.

سه حرکت از آسمان به زمین در تجسم، و سپس حرکت دوم، حرکتی از زمین به آسمان. حرکت اول از آسمان به زمین با رفتن مسیح از زمین به آسمان در عروجش دنبال می‌شود. او نه تنها رستگاری را در زمین با مرگ و رستاخیز خود به عنوان خدا-انسان به انجام رساند، بلکه در بهشت نیز با شفاعت خود به عنوان خدا-انسان به خدمت ادامه می‌دهد.

عروج، مسیح را از سطح محدود زمینی به سطح متعالی آسمانی منتقل می‌کند. تجسم، پسر را قادر ساخت تا از گوشت و خون بهره‌مند شود، نقل قول، که می‌گوید از طریق مرگ، شیطان را نابود کند و قوم خود را رهایی بخشد، عبرانیان ۲:۱۴، ۱۵. عروج تضمین می‌کند که کسی که هنوز از گوشت و خون بهره‌مند است، به بهشت رفته است، نقل قول، به عنوان پیشگام از طرف ما، عبرانیان ۶:۲۰.

در نتیجه، نقل قول، ما یک لنگر مطمئن و استوار برای روح داریم، امیدی که به جایگاه درونی پشت پرده وارد می‌شود، آیه ۱۹ از عبرانیان ۶. از آسمان، خداوند و شاهزاده والا، هدایای توبه و بخشش گناهان را اعطا می‌کند، به نقل از اعمال رسولان ۵:۳۱. عروج، جلسه را ممکن ساخت، مسیح در دست راست عظمت در اعلی نشسته بود، عبرانیان ۱:۳. او به عنوان پیامبر، کاهن و به ویژه پادشاه نشست. به عنوان یک پیامبر

آسمانی، او بنده خود را با روح خود مجهز می‌کند؛ او بندگان خود را با روح خود مجهز می‌کند تا کلام او را پخش کنند و پادشاهی او را پیش ببرند.

او به عنوان یک کاهن، نشست و تکمیل، کمال و اثربخشی قربانی خود را نشان داد، عبرانیان ۱۲:۱۰. او به عنوان پادشاه بر تخت نشسته، در کنار پدرش در بالا سلطنت می‌کند و منتظر زمانی است که دشمنانش زیر پای او قرار گیرند، عبرانیان ۱۳:۱۰، عبرانیان ۱۳:۱، وابسته به مزمور ۱۱۰:۱. پنطیکاست به همان اندازه که مرگ و رستاخیز مسیح نجات‌بخش است، عمل نجات‌بخش او نیز هست. او مسیح یا مسح‌شده است زیرا در غسل تعمید خود روح را دریافت کرد تا پس از صعود، روح را به کلیسا منتقل کند.

در تحقق پیش‌بینی عهد عتیق، خداوند متعال کلیسای خود را با ریختن روح القدس بر آن تعمید داد، یوئیل تا ۳۲، اعمال رسولان ۱۷:۲، ۱۸، ۳۳. او بدین وسیله عهد جدید را علناً اعلام کرد و خلقت جدید را ۲:۲۸ آغاز نمود. تنها کار مداوم مسیح در میان آن نه نفر، شفاعت او، دو جنبه دارد.

اولاً، او به عنوان کسی که مصلوب شده، برخاسته و عروج کرده است، با درک و شفقت برای قوم خود دعا می‌کند و به آنها رحمت و فیض عطا می‌کند تا در زمان نیاز یاری رسانند، رومیان ۸:۳۴، عبرانیان ۴:۱۵، ۱۶. ثانیاً، به دلیل قدرت حیات فناپذیر، او برای همیشه قادر است، او برای همیشه کاهن است و بنابراین قادر است کسانی را که از طریق او به خدا نزدیک می‌شوند، تا نهایت نجات دهد، زیرا او همیشه زنده است تا برای آنها شفاعت کند، عبرانیان ۷:۱۶ و ۷:۲۴، ۲۵. بنابراین، اولین حرکت از آسمان به زمین در تجسم است و به دنبال آن زندگی بی‌عیب و نقص، مرگ و رستاخیز او می‌آید.

حرکت دوم از زمین به آسمان شامل عروج، جلسه، پنطیکاست و شفاعت است. حرکت دوم از آسمان به زمین، از آسمان به زمین، از زمین به آسمان است، و اکنون حرکت سوم، حرکت دوم از آسمان به زمین است. حرکت اول از آسمان به زمین در تجسم پسر بود.

حرکت دوم از زمین به آسمان در عروج مسیح بود. حرکت سوم از آسمان به زمین در ظهور دوم مسیح خواهد بود. در حرکت اول، پسر تکه کوچکی از آسمان را به زمین آورد، به اصطلاح، یعنی خودش را.

در بخش دوم، مسیح تکه‌ای کوچک از زمین را به آسمان آورد، دوباره خودش، زیرا تجسم او دائمی است. در بخش سوم، او آسمان را به زمین خواهد آورد، همانطور که مکاشفه آشکار می‌کند. یوحنا، نقل قول، شهر مقدس اورشلیم را دید که از آسمان از جانب خدا به زمین فرود می‌آید، مکاشفه ۲۱:۱۰.

آمدن دوباره مسیح، رستگاری را به ارمغان می‌آورد. نقل قول، مسیح، که یک بار قربانی شد تا گناهان بسیاری را به دوش بکشد، بار دیگر ظاهر خواهد شد، نه برای مقابله با گناه، بلکه برای نجات کسانی که مشتاقانه منتظر او هستند، عبرانیان ۹، ۲۸. مسیح بازگشته، رستاخیز مردگان، آخرین داوری و دولت ابدی را آغاز خواهد کرد.

رویدادهای نجات‌بخش مسیح فهرست شده‌اند. در اینجا نه رویداد نجات‌بخش مسیح به همراه ارجاعات به آیات کتاب مقدس آمده است. من به سادگی به هر یک از آنها می‌پردازم و به طور خلاصه در مورد آنها بحث خواهم کرد.

در تجسم خود، او یکی از ما می‌شود تا به جای ما بمیرد. بنابراین، در لوقا ۲ و آیه ۱۱، چوپانانی که شبانه در مزرعه خود بودند، از این نور باشکوه و حضور فرشته‌ای شوکه شدند و سپس صحبت کردند. فرشته در آیه لوقا ۲ گفت: نترسید، زیرا اینک، من مژده شادی بزرگی را برای شما آورده‌ام که برای همه مردم خواهد بود.

زیرا امروز در شهر داوود، نجات‌دهنده‌ای که مسیح خداوند است، برای شما متولد شده است. این تجسم به منظور نجات‌دهنده‌ای است که خداوند و مسیح موعود است و قوم خود را از گناهانشان نجات می‌دهد. رویداد دوم، زندگی بی‌گناه اوست.

دوم قرن‌تین ۵:۲۱ در واقع در زمینه‌ای که از آشتی صحبت می‌کند، از توجیه سخن می‌گوید. و با این کار، از چیزی صحبت می‌کند که لوثر آن را این تبادیل باشکوه می‌نامید. خدا به خاطر ما، او را گناهکار آفرید و او هیچ گناهی نشناخت، تا ما در او پارسایی خدا شویم.

مسیح کسی است که هیچ گناهی را نشناخت. او هیچ گناهی را تجربه نکرد. او هیچ گناهی مرتکب نشد.

او بی‌گناه است. و به همین دلیل، و به دلیل مرگ و رستاخیز او، پدر پسر را گناهکار کرد. این زبان استعاری است که گاهی اوقات اشتباه فهمیده می‌شود.

همانطور که در غلاطیان ۳:۱۳ آمده است، مسیح برای ما نفرین شد. هیچ یک از این متون نمی‌آموزد که عیسی به یک موجود دیگر، یک گناه یا یک نفرین تبدیل شد. بلکه منظور در غلاطیان ۳ این است که مسیح نفرینی را که ما سزاوار آن بودیم، متحمل شد و به این ترتیب، به اصطلاح، برای ما نفرین شد.

او مجازات ما را پذیرفت. در اینجا، او از خدا بودن و انسان بودن دست نکشید و به چیز دیگری به نام گناه تبدیل نشد. نه، گناه ما چنان با او مرتبط بود که کتاب مقدس می‌توانست اینگونه صحبت کند.

به خاطر ما، خدا او را که هیچ گناهی نمی‌شناخت، به نوعی گناه آفرید. در واقع، سنت آگوستین از قربانی گناه سخن گفت، و این ممکن است. اما در هر صورت، گناه ما چنان با پسر خدا مرتبط است که می‌توان از این زبان استفاده کرد.

اما این به معنای تحت‌اللفظی کلمه نیست. پروردگار ما به معنای واقعی کلمه به یک نفرین یا به معنای واقعی کلمه به یک گناه تبدیل نشد. بلکه، همانطور که لوثر گفت، یک تبادیل وجود دارد، یک تبادیل مبارک.

گناه ما به سوی او می‌رود. عدالت نجات‌بخش او، که عدالت خداست، به حساب بانکی معنوی ما می‌رود و ما نجات می‌یابیم. ما در حضور خدا عادل شمرده می‌شویم.

این دومین رویداد کفاره مسیح است، کار نجات‌بخش مسیح، شماره یک، تجسم، شماره دو، زندگی بدون گناه شماره سه، مرگ است. من فقط غلاطیان ۳:۱۳ را نقل قول می‌کنم. خدا ما را از لعنت شریعت به این طریق رهایی بخشید. مسیح، ببخشید، ما را از لعنت شریعت رهایی بخشید.

پولس کمی قبل گفته بود که هر کسی که از شریعت نافرمانی کند، نفرین شده است. همه. گاهی اوقات گفته می‌شود که این متن به اسرائیل به عنوان یک نهاد ملی می‌پردازد.

نه، اینطور نیست. هر کسی که قانون را زیر پا بگذارد، نفرین شده است. البته صحبت از افرادی است که یک ملت را تشکیل می‌دهند، اما صحبت از افراد است.

اما بعد می‌گوید، مسیح ما را نجات داد. او ما را رهایی داد. او ما را از لعنت شریعت که به حق بر سر ما سایه افکنده بود، نجات داد.

او چطور این کار را کرد؟ با تبدیل شدن به یک نفرین برای ما. عیسی نفرین ما را بر خود گرفت. این مجازاتی است که قانون شکنان سزاوار آن هستند.

برای اینکه ما آزاد شویم، او ما را با کفاره‌ی جایگزین مجازات خود نجات داد. مرگ مسیح را باید به طور جدایی ناپذیری از رستاخیز نجات بخش او در نظر گرفت.

اول پطرس ۱:۳، متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح که ما را برکت داده است. من باید به آنجا بروم. متاسفم.

من دارم پولس و پطرس را با هم یکی می‌کنم. متبارک باد پدر خداوند ما عیسی مسیح، که ما را از نو به امیدی زنده متولد کرد. او این کار را از روی رحمت و از طریق رستاخیز عیسی مسیح از مردگان انجام داد.

ایمانداران اکنون زندگی جدیدی دارند. چطور ممکن است؟ چون عیسی زنده است. اگر پدر از روی رحمت قصد داشته باشد به ما زندگی جدیدی بدهد، اگر روح القدس واقعاً بیاید و ما را زنده کند، همانطور که یوحنا تعلیم می‌دهد، در آیه ۸ از هر کسی که از روح القدس متولد شده است صحبت می‌کند. قدرت زندگی جدید ۳ چیست؟ پدر معمار آن است.

روح القدس عامل واقعی است که به ما قدرت می‌دهد. اما این قدرت از کجا می‌آید؟ پطرس از طریق رستاخیز عیسی مسیح از مردگان به ما می‌گوید. عیسی زنده است و آن حیات جاودانی که در او ساکن است، هنگامی به ایمانداران می‌رسد که روح القدس آنها را فعال می‌کند، به آنها حیات می‌بخشد و آنها را از مرگ روحانی به حیات روحانی کنونی منتقل می‌کند.

و در روز آخر، آنها را از مردگان به تازگی کامل حیات برمی‌خیزاند. عروج مسیح رویدادی نادیده گرفته شده اما با این وجود نجات بخش است. اعمال رسولان ۵:۳۱ می‌پرسد، آیا پطرس موعظه می‌کند؟ و او قادر است از توبه و بخشش صحبت کند.

او از این تضاد قوی استفاده می‌کند. پسر، پطرس طفره نمی‌رود. او مستقیماً با مخاطبان یهودی خود صحبت می‌کند و آنها را به خاطر مصلوب شدن سرزنش می‌کند.

خدای پدران ما، عیسی را که شما با آویزان کردن از درخت کشتید، زنده کرد. او در حال صحبت با سندهرین، با شورای حاکم یهود است. شما ارزیابی خود را از عیسی ارائه دادید.

شما او را مصلوب کردید. اما خدا در مورد همان عیسی قضاوت می‌کند. خدای پدران ما، خدای اسرائیل، عیسی را که شما با آویزان کردن او از درخت کشتید، برخیزانید.

خداوند او را به دست راست خود بالا برد، عروج را به عهده گرفت و آن جلسه را به عنوان رهبر و ناجی تأیید کرد. و این کاری است که آن صعود یافته، مصلوب شده و برخاسته انجام می‌دهد. تا به اسرائیل توبه و بخشش گناهان را عطا کند.

آن که مُرد و برخاست، صعود کرد، در دست راست خدا نشست، و به عنوان پادشاه، هدایای سلطنتی را به قوم خود، حتی به هر کسی که ایمان می‌آورد، اعطا می‌کند. من هر بار که سعی می‌کنم بر حاکمیت خدا، قوم خدا، برگزیدگان و مسئولیت انسانی در قبال همه کسانی که ایمان می‌آورند تأکید کنم، این کار را انجام می‌دهم. در اینجا هدایایی که مسیح صعود کرده اعطا می‌کند، آمده است.

توبه، توبه‌ای انجیلی یا نجات‌بخش است و بخشش گناهان است. عیسی در تجسم خود، زندگی بدون گناه، مرگ، رستاخیز، صعود و بله، در جلسه‌اش نجات می‌دهد. آه، بخشی که واقعاً به آن نگاه نکرده‌ایم.

کولسیان ۳: ۱ تا ۳. او، حالا که یادم آمد، کمی این کار را کردیم. پس اگر با مسیح برخیزانیده شده‌اید، چیزهایی را که در بالاست بجویید، جایی که مسیح در دست راست خدا نشسته است. به چیزهایی که در بالاست فکر کنید، نه به چیزهایی که بر زمین هستند.

زیرا شما مرده‌اید، معنا با مسیح است، و زندگی شما با مسیح در خدا پنهان است. وقتی مسیح، که زندگی شماست، ظاهر شود، شما نیز با او در جلال ظاهر خواهید شد. پولس انکار نمی‌کند که مؤمنان بر روی زمین زندگی دارند.

در واقع، در فصل بعدی کولسیان، او درباره قوانین مربوط به خانواده‌های مسیحی صحبت می‌کند. اگر، بخواهید، آموزش دادن به پدران، مادران، فرزندان، اربابان و بردگان در قرن اول بسیار بسیار زمینی است درست است؟ اما او می‌خواهد شنوندگان و خوانندگان امروزی‌اش حقایق آسمانی را بگیرند و آنها را در زندگی زمینی به کار گیرند. او می‌گوید، نگاه کنید، چشمان خود را به عیسی بدوزید، که در دست راست خدا نشسته است.

او می‌گوید، زندگی شما با مسیح در خدا پنهان است. همچنین، مفهوم ضمنی آن، در کنار پسر در کنار پدر قرار دارد، که او به صراحت در افسسیان ۲ بیان می‌کند. شما با مسیح نشسته‌اید. و سپس می‌گوید، وقتی مسیح که زندگی شماست، ظاهر شود، شما نیز با او در جلال ظاهر خواهید شد.

این متن، مرگ با مسیح، و اتحاد با او در مرگش را مفروض می‌گیرد. در بالا، آیه ۲:۲۰ در واقع از این کلمات استفاده کرده بود. اگر شما با مسیح مردید، اکنون در آیه ۳ از کولسیان ۳ فقط می‌گوید که شما مردید، که به وضوح، همانطور که مفسران می‌گویند، به معنای مرگ با مسیح است.

می‌گوید که شما با او برخیزانیده شده‌اید، ۳:۱. وقتی می‌گوید زندگی شما با مسیح در خدا پنهان است، فرض می‌کند که ما با او در دست راست خدا نشسته‌ایم. چطور چنین چیزی ممکن است؟ مسیح همین الان نشسته است؛ او همین الان این را گفته است. سپس می‌گوید، وقتی مسیح، که زندگی شماست، ظاهر شود، این زبان ظهور دوم، ظهور مسیح است، آنگاه شما با او در جلال ظاهر خواهید شد.

ما چنان به پسر خدا پیوسته‌ایم، با او مردیم، با او دفن شدیم، با او برخیزانیده شدیم، با او صعود کردیم، با او نشستیم. و در رومیان ۸ و اینجا در کولسیان ۳:۳ این حس وجود دارد که ما دوباره با او خواهیم آمد. این چه حسی دارد؟ آیا پولس هویت ما را با مسیح اشتباه می‌گیرد؟ هرگز.

اما او چنان وحدتی را با مسیح تأیید می‌کند که رویدادهای نجات‌بخش او به رویدادهای ما تبدیل می‌شوند. و ما ظهوری خواهیم داشت، نه اینکه به معنای واقعی کلمه دوباره بیاییم، بلکه عیسی، که از نظر معنوی به او پیوسته‌ایم، دوباره خواهد آمد و بدین ترتیب ما ظهوری خواهیم داشت به این معنا که تنها در آن زمان هویت واقعی ما به عنوان دختران یا پسران یک خدای زنده به طور کامل آشکار خواهد شد. اکنون، شاید نگاهی اجمالی به بهترین روزها و لحظات خود داشته باشیم.

سپس دانیال می‌گوید، و عیسی در متی ۱۳ می‌گوید، ما مانند ستارگان، مانند خورشید خواهیم درخشید. او، خدای من. پنطیکاست کار نجات‌بخش عیسی است.

در اعمال رسولان ۱: ۵، او سخنان یحیی تعمید دهنده را به یاد می آورد. عیسی این کار را می کند و می گوید یحیی با آب تعمید می داد، اما شما چند روز دیگر با روح القدس تعمید خواهید یافت. اعمال رسولان ۲ در مورد آن رویداد صحبت می کند. نکته مهم برای ما در این مرحله تأکید بر این است که پنطیکاست یکی از رویدادهای نجات بخش عیسی است.

بدون مرگ و رستاخیز او، پنطیکاستی وجود نمی داشت. اما او مُرد، برخاست، عروج کرد، در دست راست خدا نشست و با ریختن روح القدس بر کلیسا، پیشگویی های یوئیل و یحیی تعمید دهنده و پیشگویی خودش را به انجام رساند. این دستاورد نجات بخش عیسی بود و بدین ترتیب، سرانجام خدمت خود را به همه پیروانش گسترش داد تا مرزده را در سراسر جهان پخش کند.

او در اعمال رسولان، ببخشید، رومیان ۸: ۳۴، پس از چند آیه که از شفاعت روح القدس برای ما در حضور پدر صحبت می کند، برای ما شفاعت می کند زیرا او اراده خدا را می داند. سپس، وقتی پولس در رومیان ۸: ۳۴ می گوید مسیح برای ما شفاعت می کند، به این معنی است که او برای ما نیز دعا می کند. این بخشی از کار کاهنی اوست که کار اصلی کاهنی است و به جای ما می میرد.

کار کاهنی اضافی همچنان ادامه دارد؛ تنها جنبه ی مداوم کار نجات بخش او این است که برای قوم خود دعا می کند. و سپس در عبرانیان ۷: ۲۵، همانطور که دیدیم، مسیح نه تنها برای ما دعا می کند، بلکه در حضور خدا با نشان های خود ظاهر می شود و نشان می دهد که ما را دوست داشته و خود را به عنوان قربانی کامل و نهایی برای گناهان برای ما فدا کرده است. در نهایت، نهمین رویداد نجات بخش او، که هنوز آینده است بازگشت او، آمدن دوم اوست.

من عاشق اول پطرس ۱: ۱۳ هستم، و ما در این ساعت ها به آن نگاه نکردیم. این ساعت ها با هم در ویدئو من عاشق این آیه هستم. بنابراین، ذهن خود را برای عمل آماده کنید و هوشیار باشید. امید خود را کاملاً به فیضی که در مکاشفه عیسی مسیح به شما عطا خواهد شد، معطوف کنید.

چند سال پیش، در یک یادداشت روزانه به مناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس مدرسه ای که در آن تدریس می کردم، یعنی مدرسه الهیات کاوننت در سنت لوئیس، مقاله ای در مورد فیض خدا نوشتم و نشان دادم که چگونه ما در تفکر خود، فیض خدا را کوچک کرده ایم. فیض او بزرگتر از آن چیزی است که ما تصور می کنیم این فیض نه تنها عشق اولیه او در زمانی است که ما سزاوار خشم او بودیم، بلکه قدرت مداوم او برای داشتن یک زندگی مسیحی نیز هست.

به همین دلیل است که وقتی پولس به کلیساها و افراد مسیحی می نویسد، می گوید، و فیض بر شما، فیض بر شما، و سلامتی از جانب خدا، پدر ما، و خداوند عیسی مسیح. آیا او برای نجات مسیحیان دعا می کند؟ خیر. فیضی که در آنجا وجود دارد، فیض نجات بخش اولیه نیست.

این فیض توانمندساز است. این قدرت خداست برای زیستن زندگی مسیحی. ما همچنین فیض خدا را کوچک می شماریم، چرا که گاهی اوقات آن را تقریباً کاملاً مربوط به گذشته می دانیم.

اوه، این چیزی مربوط به گذشته است. افسسیان ۲: ۸ و ۹، زیرا به فیض نجات یافته اید. اما این مربوط به زمان حال نیز هست.

ما با جسارت، عبرانیان ۴، به تخت فیض می آییم تا رحمت بیابیم و فیضی را بیابیم که در زمان نیاز به ما کمک کند. این مربوط به گذشته نیست. آه، تنها به خاطر آن فیض گذشته است که ما فیض فعلی را از واسطه دریافت می کنیم.

اما ما فیض را تقریباً به طور کامل به چیزی در گذشته تقلیل داده‌ایم، در حالی که گذشته و حال است. طبق اول پطرس ۱:۱۳، فیض خدا هنوز در آینده است. فیض گذشته، فیض حال و فیض آینده وجود دارد.

ذهن‌هایتان را برای عمل آماده کنید. هوشیار باشید. او می‌گوید، ای مسیحیان، بیدار شوید و هوشیار باشید.

امید خود را کاملاً بر فیضی که با ظهور عیسی مسیح نصیب ما خواهد شد، قرار دهید. من سال‌هاست که بیش از آنچه بتوانم بشمارم، یعنی حدود ۴۵ سال، از صداقت بزرگسالان قدردانی کرده‌ام. و از صداقت شاگردانم نیز قدردانی کرده‌ام.

گاهی اوقات، برخی از آنها گفته‌اند که احساسات متناقضی در مورد بازگشت دوباره مسیح دارند. به دلیل تصور گناه، آنها اعتراف می‌کنند که هنوز هم گاهی اوقات گناه می‌کنند. به شما اطمینان می‌دهم که من هم با این موضوع موافقم.

اما اینکه آنها می‌ترسند که از او و آمدنش شرمند شوند، اول یوحنا، زیرا گناهای برای اعتراف خواهند داشت و من از یک مثال انسانی استفاده می‌کنم. می‌خواهم به شخصی فکر کنید که از شما بزرگتر است و شما را بیشتر از هر شخص دیگری در جهان دوست دارد.

و شما دارید زندگی خودتان را می‌کنید، و پدر، یا مادر، یا برادر، یا خواهر، یا دوست صمیمی‌تان به ذهنتان می‌آید، و متوجه می‌شوید که در حق آنها گناه کرده‌اید. اولین واکنش شما چیست؟ اینکه از آنها فرار کنید چون شرمند هستید؟ نه. اولین واکنش شما این است که به سراغ آن تلفن بروید، به آنها ایمیل بزنید، فوراً به آنها پیامک بدهید، و به نوعی فوراً اوضاع را درست کنید.

چرا؟ چون شما توسط این شخص کاملاً پذیرفته شده‌اید. شما بدون قید و شرط دوست داشته می‌شوید. او برای شما از هر چیزی مهم‌تر است.

همسر عزیز شما به راحتی در این دسته قرار می‌گیرد. و شما می‌خواهید اعتراف کنید. شما از اعتراف، درست کردن اوضاع و احترام به آنها لذت خواهید برد.

چقدر بیشتر اگر گناهای داریم که باید هنگام بازگشت عیسی اعتراف کنیم؟ آیا باید مشتاق اعتراف باشیم؟ و من حتی نمی‌گویم که این باید دغدغه اصلی ما با آمدن دوباره او باشد. اینطور نیست. گوش کنید، امید خود را کاملاً بر فیضی که در هنگام ظهور عیسی مسیح نصیبتان خواهد شد، قرار دهید.

فیض گذشته فوق‌العاده است. همان فیضی که ما را به این زندگی مسیحی رساند. فیض حال نیز فوق‌العاده است.

این تدبیر خداست. این قدرتی برای نیازهای ماست. اما شما هنوز چیزی ندیده‌اید، برادران و خواهران در مسیح.

فیض آینده چنان عظیم خواهد بود که ما غرق در عشق خدا و پذیرش خواهیم شد، بزرگترین آغوشی که تا به حال داشته‌ایم، و غیره. بله، ما نباید از آمدن دوباره بترسیم زیرا کسی که می‌آید کسی است که ما را دوست داشت و خود را برای ما فدا کرد، کسی که زنده است و چنین فیض سرشاری را بر قوم خود خواهد ریخت. در آن زمان، چنانکه هرگز دیده نشده است، امید خود را کاملاً بر فیضی که در زمان وحی، آمدن دوباره عیسی مسیح، به شما عطا خواهد شد، قرار دهید.

رویدادهای نجات بخش مسیح مرتبط هستند. چهار نکته کلیدی وجود دارد. اول اینکه، هر نه رویداد، یک کار نجات بخش مسیح را تشکیل می دهند.

باز هم، قدرت سیستماتیک، نقطه ضعف آن است. ما این چیزها را از هم جدا می کنیم تا آنها را بهتر بفهمیم، اما بهتر است دوباره آنها را کنار هم بگذاریم. یک عیسی وجود دارد.

یک رستگاری وجود دارد. یک عمل نجات بخش وجود دارد. دوم، مرگ و رستاخیز مسیح، وقایع نجات بخش او به تمام معنا هستند.

بسیار خوب، لطفاً، بعد از شنیدن این سخنرانی‌ها، نگویید که پترسون رستگاری را به طور یکسان در میان نه رویداد مسیح حل می کند. چطور می توانید این کار را انجام دهید؟ فکر کنید که اکنون هسته، مرکز، قلب روح، جوهر، مرگ و رستاخیز اوست. سه.

مرگ و رستاخیز او دو پیش نیاز اساسی دارد که شما اکنون آنها را از بر می دانید، و پنج نتیجه اساسی در پی آنها می آید. اولاً، هر نه رویداد، یک کار نجات بخش خداوند عیسی مسیح را تشکیل می دهند. هر رویداد به خودی خود مهم است و باید به همین ترتیب مورد قدردانی قرار گیرد.

با این حال، کار نجات بخش مسیح شامل هر نه رویداد است. پس ما باید دیدگاهی جامع از نجات او داشته باشیم که همه چیز را از تجسم او تا بازگشتش شامل شود. همه اینها کار نجات بخش اوست و همه آنها یکی هستند.

دوم، اگرچه هر نه رویداد برای رستگاری ضروری هستند، اما دو مورد از آنها محوری و جدایی ناپذیرند. مرگ و رستاخیز مسیح قلب و روح دستاورد نجات بخش اوست. گاهی اوقات کتاب مقدس این دو را با هم ترکیب می کند.

یوحنا ۱۷: ۱۰، ۱۸، اعمال رسولان ۲: ۲۲ تا ۲۴، رومیان ۴: ۲۵، رومیان ۹: ۱۰ و ۱۰، اول قرنتیان ۳: ۱۵ و ۴، دوم قرنتیان ۵: ۱۵، فیلیپیان ۳: ۱۰، عبرانیان ۱: ۳، اول پطرس ۱: ۱۱. اما معمولاً، کتاب مقدس از اختصار استفاده می کند و صرفاً به مرگ یا رستاخیز او اشاره می کند و به دیگری اشاره می کند. سوم، دو پیش شرط اساسی برای مرگ و رستاخیز عیسی وجود دارد: تجسم او و زندگی بدون گناه او.

تجسم او ضروری است زیرا او برای مردن و دوباره برخاستن باید انسان می شد. کفار او برای انسانها مهم است زیرا توسط یک انسان انجام شد. او هرگز فقط یک انسان نیست، بلکه او خدا-انسان با انسانیت واقعی است.

زندگی بی گناه او ضروری است زیرا او را واجد شرایط مرگ برای دیگران کرد. اگر او گناه می کرد، از منجی بودن محروم می شد. چهارم، پنج نتیجه ضروری پس از مرگ و رستاخیز مسیح وجود دارد.

عروج، جلسه، فرستادن روح، شفاعت و آمدن دوباره او. عروج او از این جهت نجات بخش است که او را از قلمرو محدود زمینی به قلمرو آسمانی متعالی منتقل کرد تا در حضور خدا برای ما ظاهر شود. جلسه او از این جهت نجات بخش است که در دست راست خدا می نشیند. او از بالا حکومت می کند و نجات می دهد.

کار او در پنطیکاست ما را نجات می دهد، زیرا او، آن مسح شده، روح القدس را بر کلیسا ریخت تا پادشاهی خدا را گسترش دهد. شفاعت او نجات بخش است زیرا او دائماً قربانی خود را در حضور خدا تقدیم می کند و برای

مقدسین دعا می کند. آمدن دوباره او نجات بخش است زیرا او دوباره با جلال و قدرت عظیم خواهد آمد تا دشمنان خود را شکست دهد و نجات نهایی را برای قوم خود به ارمغان بیاورد.

تصاویر کتاب مقدس از کار نجات بخش مسیح. شش تصویر اصلی وجود دارد که کتاب مقدس برای کمک به ما در درک اهمیت کفاره مسیح ترسیم می کند. در اینجا هر شش تصویر را با هم مشاهده می کنیم.

، خلاصه ای از تصاویر. تصویر آشتی از حوزه روابط بین فردی می آید. ما به دلیل بیگانگی یا اختلال در روابط، نیاز داریم که با خدا آشتی کنیم.

مسیح به عنوان صلح آوری به تصویر کشیده شده است که با مرگ و رستخیز خود، خدا را با انسان ها و انسان ها را با خدا آشتی می دهد. نتیجه، صلح بین خدا و ماست. موضوع رستگاری از حوزه رابطه ارباب و برده می آید.

ما نیاز به رهایی داریم زیرا در بند گناه و شیطان هستیم. مسیح به عنوان یک نجات دهنده به تصویر کشیده شده است که با مرگ و رستخیز خود، ما را از بردگی معنوی رهایی می بخشد. در نتیجه، ما آزادی پسران یا دختران خدا را تجربه می کنیم.

تصویر جایگزینی قانونی از حوزه شریعت می آید. ما به دلیل گناه گناه اولیه آدم و گناهان واقعی خودمان نیاز به عادل شمرده شدن داریم. مسیح به عنوان جایگزین قانونی ما به تصویر کشیده شده است که با مرگ و رستخیز خود، خدا را خشنود می کند و مجازات گناهان ما را می پردازد.

نتیجه این است که خدای مقدس و عادل، همه کسانی را که به عیسی ایمان می آورند، عادل اعلام می کند. مضمون مسیح به عنوان پیروز، از حوزه جنگ می آید. ما باید نجات یابیم زیرا دشمنان معنوی بسیار قدرتمندتری از خود داریم.

مسیح به عنوان قهرمان ما به تصویر کشیده شده است که با مرگ و رستخیز خود، دشمنان ما را شکست می دهد. در نتیجه، پیروزی واقعی در زندگی مسیحی وجود دارد. تصویر تفریح از حوزه خلقت می آید.

ما نیاز به احیا داریم زیرا سقوط آدم، گناه، مرگ و بی نظمی را به جهان بشریت آورد. مسیح به عنوان آدم دوم، به تصویر کشیده شده است که با اطاعت خود از مرگ و رستخیز، اثرات گناه آدم را معکوس می کند. نتیجه، احیای جلال و سلطه از دست رفته ما است.

مضمون قربانی از حوزه عبادت می آید. ما نیاز به پاک شدن داریم زیرا با گناه خود آلوده شده ایم. مسیح به عنوان کاهن اعظم بزرگی به تصویر کشیده شده است که خود را به عنوان قربانی تقدیم می کند و برای همیشه زنده می ماند.

در نتیجه، مؤمنان پاک می شوند. تصاویر، یک واقعیت را به تصویر می کشند. مهم است که به خاطر داشته باشید که شش تصویر، از شش واقعیت متفاوت صحبت نمی کنند.

بلکه، شش روش مختلف برای صحبت در مورد یک واقعیت، یعنی نجاتی که مسیح به انجام رساند، وجود دارد. پس چرا کتاب مقدس شش تصویر اصلی ارائه می دهد؟ همانطور که لئون موریس سالها پیش پیشنهاد داد، به نظر می رسد پاسخ در تصویر کتاب مقدس از گناه نهفته است. تعدد تصاویر نجات با تعدد تصاویر گناه مطابقت دارد.

لئون موریس، صلیب در عهد جدید، صفحه ۳۹۵. روش‌های مختلف صحبت کردن در مورد گرفتاری‌های ما با روش‌های مختلفی که خداوند، به لطف خود، به کمک ما می‌آید، مطابقت دارد. گناه برای خداوند آنقدر نفرت‌انگیز است که آن را به روش‌های مختلفی به تصویر می‌کشد.

همانطور که بحث در مورد نیاز به هر تصویر، که قبلاً انجام داده‌ایم، نشان می‌دهد. هر نیاز، هر روش توصیف گناه، با روش خدا برای از بین بردن گناه در کار مسیح مطابقت دارد. بنابراین، خدا گناه را به عنوان بیگانگی با آشتی مسیح از بین می‌برد.

او با رستگاری مسیح بر اسارت غلبه می‌کند. او با خشنودی مسیح، گناه را پررنگ‌تر می‌کند. او با پیروزی یک قهرمان قدرتمندتر، بر دشمنان قدرتمند ما غلبه می‌کند.

او نافرمانی آدم را با اطاعت آدم دوم باطل می‌کند. او با خون پاک‌کننده مسیح بر ناپاکی معنوی ما غلبه می‌کند. اما نکته کلیدی در اینجا این است که اینها راه‌های متعددی برای انتقال یک حقیقت واحد هستند.

عیسی گناهکاران را از طریق مرگ و رستاخیز خود نجات می‌دهد. در سخنرانی بعدی و آخر خود، بر جایگزینی مجازات به عنوان پایه و اساس سایر تصاویر تمرکز خواهیم کرد.

این دکتر رابرت پترسون در آموزه‌هایش در مورد کار نجات‌بخش مسیح است. این جلسه ۱۹، نتیجه‌گیری، نه رویداد است.